

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲

موضوع: مهدویت، اساسی ترین موضوع همه ادیان آسمانی!

(سخنرانی در دانشگاه شهید محلاتی)

موضوعات این سخنرانی:

مهدویت، اساسی ترین موضوع اسلامی

«مهدویت نوعی» یا «مهدویت شخصی»؟!؟

شبهه "حضرت مهدی و کشتار عمومی"

شیفتگی جوانان تحصیل کرده مسیحی به مکتب اهل بیت

معجزه امام زمان، معجزه علمی است!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على

رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله

الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می گوئیم و ایام ولادت نبی گرامی اسلام و رئیس

مذهب امام جعفر صادق (علیه السلام) را به همه شما گرامیان و عزیزان تبریک و تهنیت می گوئیم.

قرار شد موضوع بحث ما در خدمت شما عزیزان بحث مهدویت و شبهاتی که امروز در فضای مجازی و رسانه‌های معاند نسبت به موضوع مهدویت مطرح می‌شود، باشد. سپس اگر دوستان سؤالاتی هم دارند در خدمتشان هستیم.

مهدویت، اساسی‌ترین موضوع اسلامی

اولاً موضوع مهدویت یکی از موضوعات بسیار اساسی اسلامی است، در حدی که ما در میان معارف دینی، موضوعی به اهمیت مسئله مهدویت نداریم.

طبق آماري که بعضی از بزرگان آوردند و استقصاء کردند، ما سیصد و بیست و چهار آیه در قرآن کریم تنها در حوزه مهدویت در کتب شیعه و اهل سنت داریم که ما در هیچ یک از موضوعات اسلامی، این همه آیه نداریم. در رابطه با تمام احکام شریعت از قبیل طهارت، نماز، زکات و جهاد ما این همه آیه در قرآن کریم نداریم!

«دکتر رضایی» که یکی از متخصصین قرآنی و از شخصیت‌هایی هستند که عمرشان را در حوزه علوم قرآنی سپری کردند، در سایت «ahlolbait.org» سیصد و بیست و چهار آیه در رابطه با مهدویت آوردند.

آیات در این زمینه الی ماشاءالله هست که من نمی‌خواهم وارد آیات شوم، زیرا از اصل بحث غافل می‌شویم.

در رابطه با احادیث، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی کتابی به نام «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر» دارند که در آنجا نزدیک به چهار هزار روایت در حوزه مهدویت مطرح کردند. چهار هزار روایت در کتب شیعه و سنی کم نیست.

این آیات و روایات همگی نشانگر این است که موضوع مهدویت یکی از موضوعات اساسی اسلامی ماست. نه تنها شیعه و اهل سنت، بلکه وهابی‌ها هم در رابطه با مهدویت عبارتهایی دارند.

«بن باز» مفتی اعظم سابق عربستان سعودی، بالاترین مقام علمی و سیاسی وهابیت است و مرجع اعلای وهابیت است.

«بن باز» بلا تشبیه همانند جایگاه امام خمینی نزد ما شیعیان است، با این تفاوت که تقوای امام خمینی را ندارد و بیست برابر قدرت ایشان را دارا هست. او کتابی به نام «فتاوی نور علی الدرب» دارد که در آنجا به صراحت می‌نویسد:

"اگر کسی منکر مهدویت باشد، کافر است. ما روایات متواتر از پیغمبر اکرم داریم که اگر کسی مهدویت را انکار کند، پیغمبر اکرم را تکذیب کرده است. هرکسی رسول الله را تکذیب کند، خدا را تکذیب کرده است."

حال که وهابیت به این تندی وارد می‌شوند، اهل سنت جای خود دارد. جالب این است که تعدادی از بزرگان اهل سنت روایات مهدویت را قبل از آنکه حضرت مهدی به دنیا بیاید، در کتب خود آوردند. آقای «رواجنی» یکی از بزرگان اهل سنت است.

همچنین «احمد بن حنبل» رئیس مذهب حنابله است و وهابی‌ها خود را تابع «احمد بن حنبل» می‌دانند. «احمد» سال ۲۴۱ هجری حدود پانزده سال قبل از ولادت حضرت مهدی از دنیا رفته است. غالب روایات مهدویت در کتاب «مسند احمد بن حنبل» آمده است.

تعداد زیادی از بزرگان شیعه از اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) در حوزه مهدویت کتاب نوشتند.

این مسائل همگی نشانگر این است که بحث مهدویت در اسلام یک مسئله جدی است. حال بحث مهدویت فراتر از اسلام بحثی است که بنده نمی‌خواهم در آن بحث وارد شوم.

مهدویت در آیین مسیحیت، آیین یهود، آیین زرتشتی، آیین برهمنی‌ها، آیین بودایی‌ها و حتی آیین هندوها وارد شده است. تمامی ادیان معتقدند قبل از قیامت مصلحی خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

البته آنها اسم آن بزرگوار را «مصلح» می‌گذارند و ما به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) تعبیر می‌کنیم. بحث مهدویت بحث فرادینی است، نه فرامذهبی!

«مهدویت نوعی» یا «مهدویت شخصی»؟!

تفاوتی که ما با اهل سنت و وهابیت داریم، اینجاست. دوستان خوب دقت کنند. ما یک "مهدویت نوعی" داریم و یک "مهدویت شخصی".

"مهدویت نوعی" به معنای این است که ما معتقدیم کسی به نام مهدی خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. حال مشخص نیست که مهدی چه زمانی به دنیا می‌آید، چه زمانی می‌آید و چه کار می‌کند مشخص نیست.

اهل سنت تابع این فرضیه و این تفکر هستند که می‌گویند پیغمبر اکرم خبر داده است و قطعاً حضرت مهدی خواهد آمد، هیچ شکی در آن نیست و انکار آن هم کفر است. ولی ما نمی‌دانیم حضرت، چه زمانی متولد می‌شود یا اصلاً متولد شده است یا خیر!

با این مبنا هرکسی از راه رسید و ادعا کرد که من مهدی هستم، اهل سنت مجبورند که حرف او را بپذیرند. چون حضرت مهدی مورد نظر اهل سنت نه اسم پدرش مشخص است، نه اسم مادرش مشخص است و نه سال تولدش مشخص است. لذا اهل سنت در خصوص مهدویت، مبهماتی درست کردند که خودشان هم در آن گیر کرده‌اند.

در مقابل، شیعه طبق روایات صحیحی که دارد حدود سیصد روایت در کتب معتبر خود در رابطه با اسامی ائمه اطهار (علیهم السلام) دارد. این روایات از پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمودند: امامان بعد از من دوازده نفر هستند.

اسامی امامان همگی در این روایات آمده است. اولین آنها حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است. پس از آن امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق و دیگر ائمه اطهار به ترتیب آمده است.

در این روایات سال ولادت حضرت مهدی، سال غیبت صغری و سال غیبت کبری آن بزرگوار کاملاً مشخص است و ما هیچ شک و شبهه‌ای هم نداریم.

بنده عرض کردم اضافه بر این چهار هزار روایتی که تنها در حوزه مهدویت داریم، سیصد روایت هم داریم که اسامی ائمه اطهار از قول نبی گرامی اسلام و امیرالمؤمنین نقل شده است.

اهل سنت در رابطه با ولادت حضرت مهدی غالباً همین نظری را دارند که عرض کردم و معتقدند که ما خبر نداریم حضرت مهدی چه زمانی به دنیا می‌آید، اسم پدر و مادرش چیست و چه کارهایی می‌کند.

در این میان تعدادی از اهل سنت با شیعه هم عقیده هستند. بیش از دویست نفر از بزرگان اهل سنت همان عقیده‌ای را دارند که شیعه دارد.

آن‌ها معتقدند که حضرت مهدی در سال ۲۵۵ هجری یا چند سال عقب‌تر یا جلوتر به دنیا آمده است و در پنج سالگی هم از نظرها غایب شده است. افرادی که چنین عقیده‌ای را دارند تعداد کمی هم نیستند.

یکی از بزرگان ما در این رابطه، مفصل مطالبی را آورده است که نزدیک صد و پنجاه و شش تن از بزرگان اهل سنت بر این عقیده هستند.

به عنوان مثال «شعرانی» یکی از بزرگان اهل سنت معتقد است که حضرت مهدی در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده است و تا الآن باقی است. او که خود متوفای ۹۷۹ هجری است، می‌نویسد: در حال حاضر عمر حضرت مهدی ۷۶۲ سال است.

ما از اینطور عبارات از علمای اهل سنت الی ماشاءالله داریم که با شیعه در خصوص حضرت مهدی هم عقیده هستند.

بعضی از بزرگان دیگر اهل سنت همانند «ذهبی» و دیگران معتقدند که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمد، اما در خصوص اینکه چه سالی و چطور از دنیا رفت ما خبری نداریم. او نهایت به اینجا می‌رسد که می‌گوید: ما خبر نداریم قضیه به چه شکل بوده و حضرت چطور از دنیا رفته است.

البته عزیزان دقت کنند نام ائمه اطهار تنها در کتب شیعه نیست، بلکه ما در کتب اهل سنت هم موارد زیادی داریم که بزرگان اهل سنت اسامی ائمه اطهار (علیهم السلام) را کاملاً بیان کردند. آن‌ها نوشتند که رسول اکرم اسامی ائمه اطهار را خبر داده است.

ذکر نام اهل بیت در کتب اهل سنت یکی از معجزات اهل بیت (علیهم السلام) است. به عنوان مثال «خوارزمی» و «جوینی» و دیگر بزرگان اهل سنت نقل می‌کنند که پیغمبر اکرم فرمود وصی من علی بن ابی طالب است. بعد از او فرزندش حسن و حسین است. بعد از او امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری و فرزندش حضرت مهدی (ارواحنا فداه) است.

بنابراین ما موضوع اختلافی میان شیعه و اهل سنت نداریم که یک مرتبه حدود دویست تن از بزرگان اهل سنت با شیعه هم عقیده شده باشند، اما در موضوع مهدویت این چنین با همدیگر هم عقیده هستند.

از طرفی هم همانطور که می‌بینیم بیش از سیصد آیه و حدود چهار هزار روایت داریم، شبهه‌ای هم که در حوزه مهدویت آمده است اگر در تمام حوزه‌ها بررسی کنیم می‌بینیم که این انبوه شبهه، در هیچ حوزه‌ای حتی در امامت نداریم.

ما الی ماشاءالله در حوزه مهدویت مخصوصاً از سوی وهابیت شبهه داریم. ما استقصاء کردیم و تا الآن نزدیک به پانصد و شصت شبهه از وهابیت با ذکر جلد و صفحه ثبت کردیم که در کتاب‌ها و مجلاتشان شبهه‌ای در خصوص مهدویت مطرح کردند.

اولین کتابی که علیه شیعه نوشته شده است، کتاب «العثمانية» اثر «جاحظ» است که متوفای ۲۶۰ هجری است که شبهه‌ای علیه مهدویت دارد. «قاضی عبدالجبار معتزلی» یکی از قهرمانان کلامی اهل سنت شبهه‌ای علیه مهدویت دارد.

«ابن تیمیه» لیدر وهابیت که الی ماشاءالله شبهه‌ای در خصوص مهدویت مطرح کرده است. بعد از او هرکسی کتابی علیه شیعه نوشته است، بخشی از کتاب خود را به شبهات مهدویت اختصاص داده است.

شبهه "حضرت مهدی و کشتار عمومی"

بنده تنها یکی دو مورد از شبهه‌ای که وهابیت در رسانه‌های خود آنها را مطرح می‌کنند در اینجا خدمت عزیزان عرض کنم.

یکی از این شبهات، "حضرت مهدی و کشتار عمومی" است. متأسفانه در میان عوام شیعه هم این موضوع خیلی مطرح است.

ما می‌بینیم بعضی از مداحان و منبری‌های ما که از سواد خیلی بهره‌ای ندارند، بالای منبر با آب و تاب نقل می‌کنند که حضرت مهدی به قدری آدم می‌کشد که خون به زین اسبش برسد. آیا جبرئیل یا شیطان این حرف را به او وحی کرده است؟

(وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ)

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند.

سوره انعام (۶): آیه ۱۲۱

شما این حرف را کجا دیدید؟ ما که این همه در کتاب‌ها گشتیم، حتی یک روایتی پیدا نکردیم که نوشته باشد حضرت مهدی به قدری افراد را می‌کشد تا خون به زین اسبش برسد.

اگر جمعیت روی زمین هزار برابر الآن باشد و همه آنها را در یک شهر جمع کنند و بکشند، خون تا زین اسب بالا نمی‌آید!!! انسان باید حرفی بزند که مرغ پخته هم خنده‌اش نگیرد.

بنده روزی در سخنرانی قبل از نماز جمعه قم که پنجاه درصد جمعیت هم طلبه‌ها بودند، گفتم: ضرب المثلی است که می‌گویند اعتراف به تقصیر، خود نوعی از شجاعت است. هرکسی این شجاعت را ندارد که بگوید من این تقصیر را انجام دادم.

من گفتم: ما در خود قم، با وجود نود هزار طلبه در حوزه مهدویت موفق نبودیم، چه رسد در خارج از قم!

دلیل هم آوردم و گفتم: «مجله انتظار» در شماره ۷۲ یا ۷۳ در قم نظرخواهی عمومی کرده و در هشتصد نقطه قم از مردم سؤال کردند. معمولاً برای نظرخواهی وقتی از پنجاه نقطه یک شهر سؤال می‌پرسند، نتیجه می‌گیرند که این قضیه در این شهر یا کشور چطور است.

این در حالی بود که در هشتصد نقطه قم از مردم سؤال کرده بودند که آیا شما برای امام زمان دعا می‌کنید، یا خیر. از این میان شصت و سه درصد مردم جواب داده بودند: خیر، ما برای امام زمان دعا نمی‌کنیم. دلیل این افراد این بود که شنیدیم وقتی امام زمان ظهور کند، همه را می‌کشد. ما می‌ترسیم دعا کنیم امام زمان بیایند و ما را بکشند. لذا بنده گفتم: ما در قم موفق نبودیم. تعداد محدودی از طلاب و مداحانی که سواد چندانی ندارند، برای اینکه بازارگرمی کنند و مردم او را تحویل بگیرند، به دروغ می‌گویند که وقتی حضرت مهدی بیاید چنین و چنان کاری خواهد کرد!

مرحوم آقای کافی نقل می‌کرد که شخصی از مکه آمده بود و همه صورت او را می‌بوسیدند. در این میان شخصی گفت که من می‌خواهم زیر گلوی تو را ببوسم. وقتی او دلیل این کار را پرسید، گفت: می‌خواهم جای شمشیر امام زمان را ببوسم.

این قضیه برای بسیاری از ما به فرهنگ تبدیل شده است. این مباحثی که مطرح می‌شود، تفکرات عوامانه‌ای است که از قوطی پیرزن‌هایی که زمستان‌ها زیر کرسی برای نوه‌های خود نقل می‌کنند، بیرون آوردند. این در حالی است که اگر روایاتی هم باشد و سند نداشته باشد، این روایات بی ارزش است.

به عنوان مثال آیا اگر ماشین شما سند نداشته باشد، این ماشین ارزش دارد؟ اگر شخصی به شما بگوید که این ماشین را به شما می‌فروشم، اما سند و کارت ماشین ندارد. آیا حاضرید آن را بخرید؟ همچنین خانه بی سند، خانه‌ای بی ارزش است.

روایت بی سند یا دارای سند ضعیف، هیچ ارزشی ندارد. شما صد روایت بی سند را کنار هم بگذارید، نمی‌توانید هیچ استفاده‌ای از آن کنید. ارزش یک روایت به این است که سند داشته باشد و در سند آن هم راویانی ثقة باشند.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند:

«إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ»

وقتی می‌خواهید حدیثی نقل کنید، سند روایت را ذکر کنید.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۵۲، ح ۷

به فرموده حضرت مردم باید بدانند افرادی که در سند حدیث قرار گرفتند، انسان‌های مورد وثوق هستند یا افراد شیادی هستند.

در زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) بنی امیه و بنی عباس به تعدادی از روات پول می‌دادند و آنها را اجیر می‌کردند. آنها موظف بودند از زبان ائمه اطهار روایت نقل کنند و در میان مردم منتشر کنند تا موقعیت ائمه اطهار را زیر سؤال ببرند.

ما از اینطور راویان الی ماشاءالله داریم. ائمه اطهار (علیهم السلام) هم نسبت به این روات ساکت نشستند. شاید بنده بتوانم نزدیک به صد روایت برای شما بیاورم که ائمه اطهار نسبت به این افراد برائت می‌جویند. به عنوان مثال «یونس بن ضبیان» یکی از رواتی است که کارش جعل حدیث بود. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

«لَعْنُ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ أَلْفَ لَعْنَةٍ تَتَّبِعُهَا أَلْفُ لَعْنَةٍ كُلُّ لَعْنَةٍ مِنْهَا تُبَلِّغُكَ قَعَرَ جَهَنَّمَ»

خداوند یونس بن ضبیان را هزار بار لعنت کند که از هر لعنت هم هزار لعنت منشعب شود.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۵، ص

۲۶۴، ح ۳

یا:

«فَإِنَّ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ لَعْنَهُ اللَّهُ دَسَّ فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي أَحَادِيثَ لَمْ يَحْدِثْ بِهَا أَبِي»

خداوند مغیره بن سعید را لعنت کند که در کتب اصحاب پدرم روایاتی را کم و زیاد کرده است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲، ص

۲۵۰، ح ۶۲

«مرحوم مامقانی» می‌گوید: «مغیره بن سعید» صد هزار روایت ساخته و در میان مردم منتشر کرده است.

ارزش یک روایت به این است که انسان ببیند راویان روایت چه کسانی هستند. «کلینی» روایت را از چه کسانی نقل

کرده است. «کلینی» متوفای ۳۲۸ هجری است، در حالی که امام صادق متوفای ۱۴۸ هجری است.

اگر «کلینی» روایتی از امام صادق نقل کند، باید با شش یا هفت واسطه نقل کند. ما باید این واسطه‌ها را بررسی کنیم و ببینیم که آیا صحیح هستند یا صحیح نیستند.

بنابراین توصیه بنده به همه شما عزیزان این است که اگر می‌توانید، در «علم رجال» اطلاعات داشته باشید. همچنین اگر نمی‌توانید اطلاعات داشته باشید، اگر سخنرانی دارید یا مقاله می‌نویسید و می‌خواهید یک روایت نقل کنید از متخصصین علم رجال سؤال کنید.

شما باید از متخصصین در این حوزه سؤال کنید که روایاتی که می‌خواهید بخوانید آیا درست است یا خیر.

البته اخیراً بعضی از مراکز در قم همانند «مؤسسه نور» که زیر نظر مستقیم دفتر مقام معظم رهبری است، کارهای خوبی انجام دادند و بعضی از کتاب‌های ما همانند «وسائل الشیعة» را بررسی سندی کردند. گفتنی است کتاب «وسائل الشیعة» دارای سی و پنج هزار روایت است.

افرادی که کامپیوتر دارند، می‌توانند نرم افزار تهیه کنند و قدری هم آموزش ببینند تا به راحتی روایات را بررسی سندی کنند. بنده به عنوان نمونه روایتی را می‌آورم تا عزیزان ببینند.

به عنوان مثال در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۲۹۳ روایتی نقل شده است. وقتی شما روی روایت می‌ایستید، در پایین به شما نشان می‌دهد که روایت صحیح است.

همانطور که مشاهده می‌کنید وقتی روی روایت بعد می‌ایستید، به شما می‌گوید که روایت ضعیف است. همچنین ملاحظه کنید که وقتی روی راویان کلیک می‌کنید، تک تک مشخصات آن را برای شما می‌آورد.

این هم کار زیبایی است که حوزه علمیه انجام داده است. گرچه ما هم نقدهایی در این زمینه داریم، اما ۵ درصد کار است.

بنده خودم در حوزه علمیه بیست سال رجال تدریس کردم و اگر در قم قرار باشد دو نفر متخصص در علم رجال معرفی کنند، یکی از آنها حقیر هستم.

کتابی که بنده به نام «المدخل إلى علم الرجال و الدراية» در زمینه علم رجال نوشتم، کتاب درسی حوزه علمیه است.

دوستانی که قدری سواد عربی خوبی دارند، می‌توانند این نرم افزار را تهیه کنند و داشته باشند تا سند روایتی که می‌خواهند از کتب اربعه شیعه بیاورند را بررسی سندی کنند.

این کار برای افرادی که قدری تنبل هستند، بسیار خوب است. آن‌ها به راحتی می‌توانند تشخیص بدهند که روایتی که می‌خواهند نقل کنند صحیح است یا صحیح نیست.

البته هنر آن است که انسان خودش آستین را بالا بزند و تک تک راویان را بررسی کند و ببیند راوی ثقه هست یا ثقه نیست.

بنابراین زمانی که می‌خواهیم در حوزه مهدویت کار کنیم، باید تلاش کنیم و ببینیم روایتی که نقل شده است دستمایه وهابیت هست یا خیر. اصلاً ببینیم که روایت چطور است. بنده یک روایت را خدمت شما می‌آورم و تقاضا دارم عزیزان دقت کنند.

«قفاری» یکی از لیدرهای وهابیت است، به طوری که شاید در طول هشتصد سال اخیر در میان وهابیت، شخصی همانند «ناصرالدین قفاری» نداشتند.

او کتابی در سه جلد به نام «اصول مذهب الشيعة الإمامية» نوشته است که کتاب درسی دانشگاه بین المللی مدینه است. خداوند به بنده توفیق داد و جوابیه این کتاب را در سه جلد به نام «نقد اصول مذهب الشيعة الإمامية» نوشتیم.

این کتاب در طول هزار و چهارصد سال، قوی‌ترین کتاب ضد شیعه است. تا به حال شاید حدود چهل رساله دکتری یا پایان نامه ارشد در نقد این کتاب نوشته شده باشد.

اگر شما در اینترنت عبارت «اصول مذهب الشيعة الإثني عشرية» را جستجو کنید، می‌بینید در حوزه علمیه یا جامعه المصطفی این کتاب فراوان کار شده است.

ایشان می‌گویند: زمانی که امام زمان می‌آید شمشیر را برهنه می‌کند، بر دوش می‌گیرد و شروع به کشتن می‌کند و تمام اهل سنت را ذبح می‌کند، همانطور که قصاب گوسفند را ذبح می‌کند.

«يجرد السيف على عاتقه ويبدأ القتل، فيحصد أهل السنة»

أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية عرض ونقد؛ المؤلف: دكتور ناصر بن عبد الله بن علي القفاري، ج

٢، ص ٨٧٩

شما حساب کنید وقتی یک سنی یا جوان وهابی که بی خبر است این حرف را می‌شنود، نسبت به شیعه و حضرت مهدی (ارواحنا فداه) چه عقیده‌ای پیدا می‌کند؟! همین فتاوی است که داعش پرور است!!!

بنده بارها گفتم که ما الحمدلله به لطف الهی داعش را در حوزه فیزیکی نابود کردیم، اما آیا تفکر داعشی را هم توانستیم از بین ببریم یا خیر؟! خیر. مهم تفکر داعشی است که باید از بین برود.

آنچه داعش می‌پروراند و افرادی که به کشتن شیعیان افتخار می‌کنند، مثلاً می‌گویند من چند ده نفر شیعه را کشتم یا ده کیلومتر راه می‌روم تا یک شیعه را سر ببرم، آیا از مادر جانی و قاتل به دنیا آمده است یا او هم همانند من و شما انسان است؟ تفکر داعشی او را به جایی رسانده است که افتخار می‌کند من دویست یا سیصد شیعه را سر بریدم!

اگر در اینترنت جستجو کنید، الی ماشاءالله پر از مواردی است که افراد به سر بردن شیعه افتخار می‌کنند؛ نه تنها کشتن شیعه!

در سوریه سه سال قبل، روز عید قربان حدود شصت تن از شیعیان را خواباندند، سرشان را به عنوان قربانی عید قربان بردند و فیلم آن را هم گرفتند. وقتی چاقو را روی گلوی این شیعیان می‌گذاشتند، خون فواره می‌زد.

در هفته اول که داعش موصل را تصرف کرد، در دانشکده افسری هزار و هفتصد جوان شیعه را ذبح کردند؛ آن هم در یک روز!!! آیا این افراد از مادر جنایتکار به دنیا آمدند؟!

این افراد اهل نماز شب هستند، حافظ قرآن هستند و نماز اول وقتشان هم ترک نمی‌شود. این افراد به جهت تقرب به خداوند این کار را مرتکب می‌شوند.

از امام سجاد (علیه السلام) سؤال می‌کنند: یابن رسول الله! شنیده‌ایم در کربلا وقتی امام حسین بی‌رمق در گودی قتلگاه افتاده بود، تعدادی با شمشیر و نیزه و چوب و کلوخ و سنگ به او حمله کردند.

انسان دشمن را می‌زند تا از کار بیفتد، اما زمانی که امام حسین افتاده بود دیگر زدن نداشت. امام سجاد فرمود:

« وَ كُلُّ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى اللَّهِ بِدَمِيهِ »

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۴، ص

۲۹۸، ح ۴

این افراد تصور می‌کردند اگر یک شمشیر یا یک سنگ بر بدن بی رمق امام حسین بزنند، نزد خداوند مأجور هستند و ثواب دارند.

چه تفکری باعث شد که مسلمان اهل نماز شب و حافظ قرآن، فرزند پیغمبر اکرم را به جهت اینکه ثواب ببرند، نیزه و شمشیر و سنگ بزنند؟

مشاهده کنید این فتاوی هست که زمینه به وجود آمدن عمر بن سعد و شمر و داعش و بن لادن را فراهم می‌کند. ما باید برای این فتاوی فکر اساسی کنیم.

بنده با وهابیت در عربستان سعودی بیش از دویست جلسه مناظره داشتم که غالباً هم با جوانان بوده است. خدا می‌داند وقتی انسان با آن‌ها می‌نشیند و یک ساعت دوستانه صحبت می‌کند، اصلاً آنها اشک می‌ریزند.

جوانان می‌گویند: چقدر ما بی خبر بودیم که این همه روایات در کتاب‌های ما بوده است، اما اساتید و بزرگان به ما نگفتند!! اگر ما با این افراد دوستانه صحبت کنیم، اثرگذار خواهد بود.

بنده معمولاً ماه رمضان‌ها که به مکه مکرمه می‌رفتم، به خوابگاه دانشگاه أم القری می‌رفتم. دانشگاه أم القری بلا تشبیه همانند دانشگاه امام حسین ما شیعیان است، به طوری که خروجی‌های دانشگاه أم القری همگی لیدر هستند. آن‌ها بعد از اتمام درسشان یا سفیر می‌شوند، یا امام جمعه می‌شوند و یا قاضی القضاات می‌شوند.

ما به خوابگاه این دانشگاه می‌رفتیم و تا صبح با دانشجویان صحبت می‌کردیم. جناب آقای «نواب» که الآن مسئول بعثه مقام معظم رهبری است، در آن زمان مسئولیت بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه را در اختیار داشتند. ایشان بارها به بنده می‌گفتند: آقای قزوینی! رفتن شما در خوابگاه دانشگاه أم القری همانند رفتن شما در لانه زنبور است. در نهایت این وهابی‌ها تو را می‌کشند.

همانند اینکه دانشجوی وهابی به ایران بیاید و در خوابگاه دانشگاه امام حسین با دانشجویان سپاهی ما بحث کند. من به ایشان گفتم: آقای نواب! اولاً کشته شدن در راه اهل بیت عشق است. ثانیاً جوانان وهابی به قدری به این بحث‌های علمی علاقه دارند که از جوانان ما بیشتر عشق و علاقه نشان می‌دهند.

خودشان بعد از نماز تراویح جلوی بعثه مقام معظم رهبری می‌آمدند، ما را با ماشین به خوابگاه می‌بردند و انواع میوه‌ها و سحری‌ها را جلوی ما می‌گذازدند و با هم بحث می‌کردیم. فرداشب بازهم به آنجا می‌رفتیم و تا صبح بحث می‌کردیم.

جوانان وهابی به این مباحث عشق داشتند. ما الی ماشاءالله از این جوانان در خارج و داخل از کشور داریم که وهابی بودند و به برکت بحث‌های ما شیعه شدند.

روزی با جناب آقای «محمدی گلپایگانی» رئیس دفتر مقام معظم رهبری در قم که نسبت به ما لطف ویژه‌ای دارند، در جایی حضور داشتیم. بنده موبایلم را دست ایشان دادم و پیامکی که شماره تلفنش هم موجود بود را خواندند.

شخصی به بنده پیامک زده بود و نوشته بود: "آقای قزوینی! ما به برکت صحبت‌های شما شیعه شدیم. شب عید غدیر قبیله ما که پانصد نفر بودند، همگی شیعه شدند." ما از این کارها الی ماشاءالله داریم. امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوَ عِلْمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بشنوند، بی اختیار جذب ما می‌شوند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج ۱،

ص ۳۰۷، ح ۶۹

شیفتگی جوانان تحصیل کرده مسیحی به مکتب اهل بیت

ما در کشورهای خارج الی ماشاءالله از این قضایا داشتیم. مخصوصاً جوانان و تحصیل کرده های مسیحی عاشق و شیفته مکتب اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

بنده سال ۱۳۹۰ چهل روز آمریکا بودم. ما به واشنگتن مرکز اسلامی «ISA» رفتیم و جناب آقای «بحرینی» نماینده مقام معظم رهبری که سابقاً در دانشگاه شهید بهشتی بودند، حدود پانزده سال است که در این مرکز فعالیت دارد. ایشان بنده را در یک اتاق ۱۵ متری برد که سراسر کارتن بود. ایشان گفت: داخل این کارتن‌ها همه نامه است. مردم از پنجاه و یک ایالت آمریکا از ما خواستند که یک سی دی یا کاست یا جزوه در رابطه با مذهب تشیع برایشان بفرستیم.

ما برای یک منطقه چندین جزوه و سی دی می‌فرستیم و می‌بینیم که سیل نامه‌های تشکر برای ما می‌آید.

ما برای یک زندان که بزرگترین زندان آمریکاست، تعدادی کاست و سی دی فرستادیم. تعدادی از این زندانیان که شیعه شده بودند، برای ما نامه تشکر فرستادند و گفتند: ما گمشده خود را در مکتب اهل بیت و مذهب شیعه یافتیم.

بعضی از این زندانیان بعد از اینکه دوران محکومیتشان تمام می‌شود، قبل از اینکه به خانه‌هایشان بروند به اینجا می‌آیند و از ما تشکر می‌کنند و به خانه می‌روند.

یکی از دوستان ما فرانسوی بود. او می‌گفت که من هفت بار دین خود را عوض کردم. ابتدا مسیحی بودم سپس ارتدوکس شدم، پروتستان شدم، یهودی شدم، مسلمان شدم، وهابی شدم، سنی شدم.

مشاهده می‌کردم که این ادیان پاسخگوی ندای فطرت من نیست. در حال حاضر پنج سال است که شیعه شدم و بعد از اینکه کتاب‌ها و روایات اهل بیت را خواندم آرام شدم. گمشده‌ای که به دنبال آن بودم در سخنان اهل بیت و ائمه شیعه پیدا کردم.

شیعه این است! روایتی، مطلبی و فرعی از فروعاتش نیست جز اینکه وقتی شما به عمق آن مراجعه می‌کنید می‌بینید که برخاسته از فطرت انسان است.

سخنان ائمه اطهار از سرچشمه وحی و خالق بشر است و وقتی برای بشریت مطلب نقل می‌کنند، آنچه با فطرت بشریت تطبیق دارد را مطرح می‌کنند.

بنابراین یکی از مشکلات ما این است که ما زیاد در حوزه فرهنگی کار نمی‌کنیم. این مسئله یکی از تأسف‌های ماست.

«قفاری» می‌گوید: وقتی امام زمان بیاید اهل سنت را درو می‌کند و همانطور که قصاب گوسفند را می‌کشد، امام زمان اهل سنت را می‌کشد. مشاهده کنید وقتی یک وهابی این مطلب را می‌شنود، چه حسی پیدا می‌کند!

به عنوان نمونه روایتی از «کلینی» وارد شده است که همین تعبیر را نقل کرده است. «علامه مجلسی» وقتی به این روایت می‌رسد، می‌گوید که این روایت ضعیف است. روایت ضعیف روایت بی ارزش و همانند خانه و ماشین بدون سند است.

ما این روایات را برای مردم بیان نمی‌کنیم، اما وهابیت از همین روایات علیه ما استفاده می‌کنند. علاوه بر این اگر روایاتی هم در رابطه با قتال حضرت ولی عصر داریم، در رابطه با نواصب است که حضرت با آنها قتال می‌کنند.

معجزه امام زمان، معجزه علمی است!

معجزه امام زمان معجزه علمی است! در حال حاضر در جهان حدود سی و سه درصد مردم جهان مسیحی هستند. شیعه، سنی و حتی مسیحیت معتقدند وقتی که حضرت مهدی می‌آیند، حضرت مسیح از آسمان چهارم می‌آیند پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند و به حضرت اقتدا می‌کند و به عنوان یکی از وزرای حضرت مهدی است. مسیحیت وقتی می‌بینند که حضرت مسیح به طرف حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) رفته است، همگی به حضرت ایمان می‌آورند. بنابراین بیش از یک سوم مردم جهان به برکت پیوستن حضرت مسیح به حضرت صاحب الزمان ایمان می‌آورند و شیعه می‌شوند.

یکی از معجزات حضرت، معجزه علمی است. زمانی که حضرت بسیاری از معضلاتی که در دنیای علم اعم از پزشکی وجود دارد و بزرگان و فضلا در حل آن معطل ماندند را حل می‌کند، بسیاری از علما و اندیشمندان به حضرت ایمان می‌آورند.

اندیشمندان جهان می‌بینند مسئله‌ای که سالها بزرگان در گذشته و عصر حاضر شبانه روز وقت گذاشتند و نتوانستند آن را حل کنند، اما حضرت خیلی ساده آنها را حل می‌فرمایند، به حضرت ایمان می‌آورند و با معجزه علمی به حضرت می‌پیوندند.

حضرت ولی عصر شعار دفاع از مظلومین سر می‌دهد و مظلومان جهان احساس می‌کنند حضرت بقية الله الأعظم می‌تواند حقشان را بگیرد، به همین خاطر به حضرت ایمان می‌آورند.

در مقابل، یک دسته افراد نظیر دولتمردان و سیاستمداران می‌بینند که موقعیتشان در خطر است. قطعاً آنها حاضر نیستند به این سادگی قدرتشان را از دست بدهند. حضرت صاحب الزمان با این افراد شوخی ندارند.

ما روایات زیادی در این زمینه داریم. زمانی که حضرت ظهور می‌کنند، از پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین تجهیزات نظامی استفاده می‌کنند. الآن فرصت نیست که من این موارد را عرض کنم، زیرا نزدیک اذان هستیم.

به عنوان مثال اگر در هزار و چهارصد سال قبل به افراد می‌گفتند که حضرت ولی عصر از موشک استفاده می‌کنند، مردم عرب دچار سردرگمی می‌شدند. آنها نه خبر دارند که موشک چیست، نه خبر دارند اسلحه چیست و نه می‌دانند هواپیمای جنگنده چیست.

در روایت وارد شده است که حضرت سلاح‌هایی می‌آورند که مخروطی شکل است و نوک باریکی دارد و با این وسیله با مستکبران می‌جنگند.

شما خود را به هزار و چهارصد سال قبل ببرید که می‌خواهید در رابطه با شکل موشک با عرب بادیه نشین صحبت کنید و به او بفهمانید حضرت سلاح‌هایی دارد که به صورت مخروطی شکل است و نوک تیزی دارد.

در روایت آمده است حضرت سوار مرکبی می‌شود که دماغ دراز و نوک باریکی دارد. آیا مراد از این روایت این است که اسب حضرت طوری است که دماغ بلند و نوک باریکی دارد؟!

آیا مراد هواپیماهای جنگی نیست که نوک تیزی دارند و برای شکافتن هوا به کار برده می‌شود؟! شما می‌خواهید آن را به چه چیزی تشبیه کنید؟

همچنین در ادامه آمده است که حضرت سوار بر مرکبی می‌شود از جنس فولاد و این فولاد در هوا پرواز می‌کند.

آیا منظور روایت این است که حضرت تخته آهنی می‌گذارد و همانند حضرت سلیمان روی آن می‌نشیند و پرواز می‌کند؟ آیا مراد غیر از همین هواپیماهاست؟

در روایت آمده است که حضرت با همان مرکب فولادی در آسمان پرواز می‌کند و هشت پرنده دیگر هم حضرت را اسکورت می‌کنند.

اگر شما تمام این روایات را بگردید، کاملاً مشخص است که قضیه چیست. عرض کردم این روایات به فکر آزادی نیاز دارد که قدری باز به این قضایا نگاه کند.

در آن زمان کسی نمی‌دانست با چه زبانی به یک عرب بادیه نشین بگوید که حضرت ولی عصر از مدرن‌ترین تجهیزات نظامی استفاده می‌کند.

ما از اینطور روایات الی ماشاءالله داریم. حضرت ولی عصر در مدت خیلی کوتاه بر کل کره زمین دور می‌زند و مردم در خانه‌های خود حضرت را می‌بینند.

آیا مراد این است که حضرت ولی عصر با معجزه کاری می‌کند که مردم در خانه‌هایشان با نگاه به در و دیوار حضرت را می‌بینند یا منظور تلویزیون و ماهواره است که وقتی حضرت بر کره زمین مانور می‌دهند مردم در خانه‌هایشان می‌بینند حضرت چکار می‌کنند؟!

بنابراین حضرت ولی عصر با مستکبرین و کسانی که قدرتمند هستند و حاضر نیستند به این سادگی تسلیم شوند، با تجهیزات مدرن برخورد می‌کند.

چنین نیست که حضرت ولی عصر با مستکبرین با روی گشاده برخورد کند و اگر آنها باب گفتگو را برهم زدند، حضرت بازهم با آنها با به نرمی و التماس کردن برخورد کند. حضرت دو راه پیش روی مستکبرین می‌گذارد؛ تسلیم یا نابودی!

اگر آنها تسلیم شوند حضرت ولی عصر هم تسلیم آنها را می‌پذیرند. در مقابل اگر تکبر بورزند، حضرت نمی‌گذارند کسی در تمام کره زمین غیر از شهادت «لا إله إلا الله» و «محمد رسول الله» چیز دیگری مشاهده کنند.

بنابراین روایاتی که بعضی آقایان می‌آورند مبنی بر اینکه حضرت ولی عصر اهل سنت را می‌کشد و از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر را می‌کشد، مطلقاً حقیقت ندارد. در این صورت حضرت بر چه کسانی می‌خواهند حکومت کنند؟ اگر قرار باشد حضرت ولی عصر از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر را بکشد آیا دیگر کسی بر کره زمین باقی می‌ماند؟

بعضی افراد مغرضی وجود دارند که همانند مگس که همیشه روی کثیفی‌ها می‌نشیند، روایت ضعیف یا جعلی در گوشه و کنار کتب شیعه پیدا می‌کنند یا وقتی که بحث نواصب است آن را به اهل سنت تعبیر می‌کنند و آنها را دستمایه شبهات قرار می‌دهند.

ما روایات روایات متعدد داریم مبنی بر اینکه هرگاه حضرت ولی عصر ظهور کنند، اولین شعارشان این است که من همانند جدم، رحمت عالمین هستم.

روایاتی که ما از رأفت و رحمت حضرت ولی عصر داریم، شاید صد برابر روایاتی است که در رأفت و رحمت رسول گرامی اسلام داریم. حال مداحان و بعضی از منبری‌های ما یا از این روایات خبر ندارند و یا اگر هم خبر دارند صلاح نمی‌دانند برای مردم بیان کنند.

من بیش از این مصدع اوقات آقایان نشوم. به جهت اینکه نزدیک اذان هست، اجازه بدهید چند دعا کنیم. اگر سؤالی هست، بنده می‌توانم یک یا دو سؤال هم پاسخ دهم.

پرسش:

شما گفتید هرگاه حضرت ظهور کند، حضرت مسیح هم به امام زمان اقتدا می‌کند. آیا مسیحیان منتظر آن لحظه هستند؟

پاسخ:

در انجیل آمده است که وقتی حضرت مسیح می‌آید، خود را برای دنیا معرفی می‌کند و معجزات و قضایایی می‌آورد. مسیحی‌ها معتقدند که حضرت مسیح خواهد آمد، حتی معتقدند که منجی، حضرت مسیح است. مسیحیان معتقدند منجی که جهان را نجات می‌دهد، حضرت عیسی مسیح است.

زمانی که حضرت مسیح به عنوان منجی می‌آید، پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند. وقتی منجی پشت سر حضرت مهدی نماز بخواند، معلوم می‌شود که مقام حضرت مهدی بالاتر از حضرت عیسی است.

ما شاید بیش از دویست روایت در کتب اهل سنت داریم که حضرت مسیح به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) اقتدا می‌کند.

برای سلامتی حضرت صاحب الزمان صلواتی بفرستید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته